

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

تبیین اصالت ظهور و پیامدهای فلسفی آن

استاد راهنما:

دکتر احمد عابدی

استاد مشاور:

دکتر عسکر دیرباز

نگارنده:

میثم زنجیرزن حسینی

۱۳۹۲

تقديم به :

ساحت قدسيالسلطان على بن موسى الرضا عليه الاف التحيه و الثناء

قدردانی

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب حکمت و علم را به ما عطا نمود بر خود لازم می دانم که از همه اساتید ارجمند خویش در اینجا تشکر و قدردانی نمایم.

از استاد گرامی جناب دکتر عابدی که راهنمایی این تحقیق را تقبل نموده اند تشکر می نمایم.

از استاد گرامی جناب دکتر دیرباز که به عنوان مشاور مرا در این امر یاری نمودند نیز تشکر می نمایم.

همچنین از جناب دکتر مفتاح و استاد حشمت پور کمال تشکر را دارم که بنده را در این امر نیز همیاری نموده اند.

چکیده:

این مساله که ملاء خارج را چه چیزی تشکیل داده است یکی از مهمترین مباحث فلسفه را به خود اختصاص می دهد که بعض حکما مانند میر داماد در این مساله اصالت الماهوی اند و قائل بدین مطلب اند که ملا خارج را ماهیات موجوده تشکیل داده اند، بعضی از حکما مانند مشایین قائل به اصالت وجود و تاصل ماهیت هستند، بدین معنا که ماهیت را به طفیل وجود در خارج متحقق می دانند ولیکن صدرا قائل به اصالت وجود و اعتباریت ماهیت است بدین معنا که این فیلسوف بساط ماهیت را به کلی از عالم عین بر می چیند و فقط وجود را در خارج محقق می داند. ولیکن با تحقیق پیرامون این مساله بدین نکته دست می یازیم که نه تنها ماهیت امری اعتباری است بلکه وجود برای ممکنات نیز امری اعتباری است و بایست بساط وجود را نیز از عالم کون و ماسوی الله برچید و قائل به وحدت شخصی وجود شد نه وحدت سنخی وجودی که صدر المتالهین تبیین می نمایند که البته این مبنا در فلسفه پیامد های کثیری دارد که در این رساله به ۶۶ پیامد آن پرداخته شده است. علاوه بر این مطلب باید بدین نکته نیز توجه شود که فلسفه صدرا یک فلسفه ارگانیکی نیست زیرا فلسفه وی بدین گونه است که گاه مطالبی را مماشاتا للقوم بنا بر اصالت ماهیت مطرح میکند و یا اینکه کثیرا مسائل فلسفی خود را بر اساس تاصل ماهیت تبیین می نماید و گاه بر مبنای اصالت وجود و اعتباریت ماهیت و این امر باعث شده که فلسفه آن دچار اضطراب شود و هر کس به زعم خویش قرائتی از فلسفه وی داشته باشد و حال آنکه ما در این تحقیق سعی داشته ایم که همه مباحث فلسفه را بر اساس مبنای وحدت شخصی وجود و اعتباریت ماهیت طرح ریزی نماییم که خود تاسیس حکمت جدید می باشد.

کلید واژه ها: اصالت ظهور، اصالت ولایت، تاصل ماهیت، وحدت سنخی، وحدت شخصی، وحدت سریانی، وجود لم یلدی، حیثیت شانیه.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول : کلیات	
۱-۱ تعریف و تبیین مساله.....	۲
۲-۱ اهمیت و ضرورت.....	۳
۳-۱ اهداف.....	۴
۴-۱ پرسش ها.....	۴
۵-۱ فرضیه ها.....	۵
۶-۱ پیشینه موضوع.....	۵
۷-۱ روش تحقیق.....	۵

فصل دوم : نظام هستی از منظر حکیم

۱-۲ اصالت ماهیت از منظر حکما و انتساب غلط	
اصالت ماهیت به شیخ اشراق.....	۷
۲-۲ اصالت وجود از منظر حکمت متعالیه	
و سیر تفکر صدر المتالهین در اعتباریت ماهیت	۱۷
۳-۲ اصالت وجود از منظر مشایین و انتساب	
غلط اعتباریت ماهیت به ایشان.....	۳۹

فصل سوم : تبیین اصالت ظهور

- ۳-۱ وحدت شخصی وجود از منظر عرفا.....۴۶
- ۳-۲ نگاهی تطبیقی به قول حکما و قول به وحدت شخصیه وجود.....۵۴
- ۳-۳ فرق وحدت سنخی وجود با وحدت شخصی وجود.....۵۵
- ۳-۴ اثبات وحدت شخصی وجود.....۶۰
- ۳-۵ تبیین اصالت ظهور بنا بر وحدت شخصی وجود.....۶۹

فصل چهارم : پیامدهای فلسفی اصالت ظهور

- تمهید.....۷۴
- ۴-۱ موضوع فلسفه در مبنای اصالت ظهور.....۷۶
- ۴-۲ اشتراک لفظی وجود جایگزین اشتراک معنوی وجود.....۷۹
- ۴-۳ اعتباریت ماهیت به معنای دقیق کلمه.....۸۲
- ۴-۴ اعتباریت وجود جایگزین اصالت وجود.....۸۸
- ۴-۵ تشکیک ظهور جایگزین تشکیک وجود.....۹۰
- ۴-۶ تجدید نظری در معقولات اولی و ثانی.....۹۲
- ۴-۷ نومینالیستی وجود و دفع سوفسطا گرایی و فنومولوژی.....۹۵
- ۴-۸ انحصاری شدن وجود به وجود فی نفسه.....۹۷
- ۴-۹ وجود ظللی جایگزین وجود ذهنی.....۹۹
- ۴-۱۰ تجدید نظری در مواد ثلاث (اشتباه بودن تقسیم وجود به واجب الوجود و ممکن الوجود).....۱۰۰
- ۴-۱۱ طرح حیثیت شأنیه در حیثیات فلسفی.....۱۰۳
- ۴-۱۲ تاملی در مساله جعل.....۱۰۷
- ۴-۱۳ رجوع علت و معلول به شأن و تشان به معنای ادق.....۱۱۰
- ۴-۱۴ نسخ امکان ماهوی.....۱۱۲

- ۱۵-۴ نسخ امکان وجودی.....۱۱۴
- ۱۶-۴ نفی رابطه امکان ماهوی و امکان استعدادی.....۱۱۶
- ۱۷-۴ وهمی شدن علم حصولی.....۱۱۸
- ۱۸-۴ تأملی در مناط احتیاج معلول به علت.....۱۲۰
- ۱۹-۴ تأملی در مراتب تحلیلی ماهیت.....۱۲۲
- ۲۰-۴ تأملی در براهین اثبات واجب الوجود.....۱۲۴
- ۲۱-۴ اعتباری شدن انحاء سبق و لحوق.....۱۲۹
- ۲۲-۴ طرح قدم و حدوث بالظاهر.....۱۳۳
- ۲۳-۴ الواحد لایظهر عنه الا الواحد.....۱۳۵
- ۲۴-۴ " الحق ایجاده بالایجاب " جایگزین
- " الشیء ما لم یجب لم یوجد ".....۱۳۸
- ۲۵-۴ مطرح شدن انواع اعتبارات الماهیه در حقایق وجودی.....۱۴۱
- ۲۶-۴ طرح کلی و جزئی بودن ماهیت در معقولات ثانی منطقی.....۱۴۴
- ۲۷-۴ طرح کلیات خمس در مباحث منطقی نه فلسفی.....۱۴۸
- ۲۸-۴ تأملی در تعریف مقولات عشر.....۱۵۱
- ۲۹-۴ حقیقی یا اعتباری بودن مراتب واحد.....۱۵۵
- ۳۰-۴ نسخ حمل حقیقیه و رقیقه و طرح حمل ظاهر و مظهر.....۱۵۸
- ۳۱-۴ تأملی در مسأله تقابل فلسفی.....۱۶۱
- ۳۲-۴ طرح حمل ظاهر و مظهر در وحدات تقابل.....۱۶۴
- ۳۳-۴ حق تعالی فوق سلسله مظاهر.....۱۶۷
- ۳۴-۴ نمود واسطه بین بود و نبود.....۱۶۹
- ۳۵-۴ پذیرش ارباب انواع و نفی مثل افلاطونی.....۱۷۱
- ۳۶-۴ الشر عدم الصدور لا صدور العدم.....۱۷۳
- ۳۷-۴ تساوق برهان و عرفان.....۱۷۹

- ۳۸-۴ قرابت برهان و قرآن ۱۸۱
- ۳۹-۴ تأملی در یگانگی واجب الوجود ۱۹۴
- ۴۰-۴ تأملی در معنای توحید افعالی ۱۹۶
- ۴۱-۴ بسیط الحقیقه شی و لا شی معه
- لا کما یقال بسیطه الحقیقه کل الاشیاء ۱۹۹
- ۴۲-۴ " المظاهر لا ذات له " لا کما یقال المعلول ذاته عین الفقر ۲۰۲
- ۴۳-۴ منطوی بودن کمالات حق در مظاهر ۲۰۴
- ۴۴-۴ تقسیم وجود به فعلیت اندماجی و
- فعلیت تفصیلی جایگزین وجود بالقوه و بالفعل ۲۰۷
- ۴۵-۴ صورت مندمجه جایگزین ماده اولی و ماده ثانیه ۲۰۹
- ۴۶-۴ الحركه خروج شی من الاندماج الی التفصیل ۲۱۱
- ۴۷-۴ العقل المفارق خادم الحركه لا کما یقال انه فاعل الحركه ۲۱۴
- ۴۸-۴ عدم درک اکتناهی به اشیاء ۲۱۶
- ۴۹-۴ آنیمیسیم و شعور گرایی در عالم ۲۱۸
- ۵۰-۴ نفی جبر از همه موجودات عالم ۲۲۰
- ۵۱-۴ کاستن ضمختی از نظام فلسفی ۲۲۲
- ۵۲-۴ علم استذکاری جایگزین علم اکتسابی ۲۲۵
- ۵۳-۴ تأملی در علم حق تعالی و طرح علم بالظهور ۲۲۸
- ۵۴-۴ تأملی در اقسام علت فاعلی و طرح فاعلیت بالظهور ۲۳۲
- ۵۵-۴ قدمت فیض ۲۳۵
- ۵۶-۴ تأملی در مسأله جبر و اختیار ۲۳۷
- ۵۷-۴ خرق حجاب ظلمانی و نورانی ۲۳۹
- ۵۸-۴ تساوق اصالت ظهور با اصالت ولایت ۲۴۱
- ۵۹-۴ اصالت ولایت و حقانیت تشیع ۲۴۸

۶۰-۴	فلسفه تنزیهی جایگزین فلسفه تشبیهی	۲۵۰
۶۱-۴	تاثیر اصالت ظهور در تلطیف	
	گزاره های اخلاقی و روان شناسی	۲۵۳
۶۲-۴	تاثیر اصالت ظهور و اصالت ولایت در مباحث کلامی	۲۵۵
۶۳-۴	اصالت ولایت و تحول در عرفان نظری	۲۶۰
۶۴-۴	اصالت ولایت و تحول در عرفان عملی	۲۶۴
۶۵-۴	آشتی فقه با فلسفه	۲۶۹
۶۶-۴	اصالت ظهور و تشکیل حکومت اسلامی	۲۷۱
۲۷۵	نتیجه گیری	
۲۷۷	منابع و ماخذ	

فصل اول :

کلیات

۱-۱ تعریف و تبیین مساله

یکی از مباحثی که از دیر باز مورد توجه متفکرین واقع شده است این است که ملاء خارج را چه چیزی تشکیل داده است. آیا ملاء خارج را چیستی هاتشکیل داده اند یا هستی ها و یا اینکه هستی نماها.

بعضی از فلاسفه قائل شده اند که ماهیات، عالم خارج را پر کرده اند و بعضی وجودات را اصیل دانسته‌اند و عرفا نه ماهیات و نه وجودات امکانی را اصیل میدانند بلکه قائلند ظهورات حضرت حق تعالی عالم کون را پر نموده اند و وجود منحصر در ذات اقدس حق تعالی میباشد.

عموم فلاسفه ماهیات را به طفیل وجود در خارج محقق می دانند و قائل بدین اند که کلیات طبیعی اعم از شجر و حجر و فلک و ملک در خارج به حیث وجود متأصل می باشند ولیکن صدر المتألهین اولین کسی است که با جرأت علمی تمام در قول نهایی خویش اعلام داشت ماهیات در عالم خارج محقق نیستند بلکه موطن ماهیات فقط در ذهن است و آنچه ملاء خارج را تشکیل داده است وجودات اند و در حقیقت با تیغ اصالت وجود خویش پای کثرات ماهوی را از عالم خارج برچید و قدمی بلند به سوی توحید برداشت.

صدر المتألهین در اسفار اربعه خویش که در سفر اول ان سیر من الخلق الی الحق را مطرح می کند، ماهیات را اعتباری تلقی کرد و از خلق سفری به سوی حق نمود و برای حقیقه الوجود که دو حجاب ظلمانی و نورانی است، بواسطه اعتباریت ماهیت، خرق حجاب ظلمانی از حقیقه الوجود نمود، تا در عرصه عرفانی بواسطه اعتباریت مراتب وجود نیز خرق حجاب نورانی از حقیقه الوجود شود تا سالک الی الله بتواند بدون حجاب ماهیات و مراتب وجود، جلوه حضرت حق تعالی را در سراسر عالم شهود کند و جز او چیزی در عالم متجلی نبیند زیرا شهود هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن در عالم

جز با خرق حجاب ظلمانی ماهیات و خرق حجاب نورانی مراتب وجود برای سالکی میسور نیست.

۱-۲ اهمیت و ضرورت

صدر المتأهلین با طرح اعتباریات ماهیت قدمی بلند در معارف برداشت ولیکن فلسفه ایشان یک فلسفه ارگانیگ نیست زیرا بعضی از مباحثی را که در فلسفه خود مطرح می نماید مبتنی بر این است که ماهیات در خارج نیز محقق میباشند و دیگر آنکه صدر المتأهلین طبیعت سریانی وجود را در خارج اصیل دانسته و قائل بدین است که وجود را مراتبی است که در خارج اصالت دارند، لذا بحث تشکیک وجود را طرح نموده است و حال آنکه در مراتب عالیه معرفت، مراتب وجود نیز اعتباری بوده و وجود منحصر در ذات اقدس حق تعالی خواهد بود و آنچه که عالمکون و ما سوی الله را پر کرده است ظهورات حق تعالی است .

وحدت سنخیه وجودی را که صدر المتأهلین طرح میکند می تواند گامی برای وصول به وحدت شخصیه وجود عارف باشد نه اینکه چنانچه بعضی گمان کرده اند مساوقا آن باشد لذا جا دارد که فلسفه ای جدید تاسیس شود تا بنا بر وحدت شخصی وجود، بنایی رفیع از معرفت فلسفی معماری گردد و البته از نقیصه های عرفان نظری مبری باشد که در این رساله بدین مهم پرداخته شده است و مبنای رصین ان را اصالت ظهور شکل داده که مساوق با اصالت ولایت است .

۱-۳ اهداف

- ۱- قرابت برهان و عرفان
- ۲- تساوق برهان و قران
- ۳- اشاره به خلط وحدت سنخی فلسفی و وحدت شخصی عرفانی
- ۴- طرح فلسفه ای ارگانیک بنا بر اعتباریت ماهیت نه تاصل ماهیت
- ۵- طرح فلسفه ای ارگانیک بنا بروحدت شخصی وجود نه وحدت سنخی وجود
- ۶- اشتی فلسفه و فقه

۱-۴ پرسش ها

- ۱- آیا تفسیر مناسبی از فلسفه های پیشین صورت پذیرفته است؟
- ۲- آیا وحدت سنخی وجود همان وحدت شخصی وجود است؟
- ۳- آیا بنا بر مبنای وحدت شخصی وجود می توان فلسفه ای جدید را تاسیس نمود؟
- ۴- آیا پیامدهای فلسفه اصالت ظهور غیر از پیامدهای اصالت وجود است؟
- ۵- آیا با طرح مبنای فلسفی اصالت ظهور می توان تحولاتی در عرفان عملی و عرفان نظری ایجاد کرد؟
- ۶- آیا می توان فلسفه ای را طراحی نمود که منجر به قرابت فلسفه و فقه گردد؟

۵-۱ فرضیه ها

- ۱- تا به حال تفسیر دقیقی از فلسفه های پیشین صورت پذیرفته است .
- ۲- وحدت سنخی وجود در حکمت متعالیه غیر از وحدت شخصی وجود در عرصه عرفان است .
- ۳- بنا بر وحدت شخصی وجود می توان حکمتی جدید را طراحی کرد که تفاوت جوهری با فلسفه متعالیه داشته باشد .
- ۴- پیامدهای اصالت ظهور فرق جوهری با پیامدهای اصالت وجود دارد و در این رساله به ۶۶ پیامد پرداخته شده است.
- ۵- می توان با طرح اصالت ظهور که مساوق با اصالت ولایت است تحولات در عرفان نظری و عملی ایجاد نمود .
- ۶- فلسفه اصالت ظهور فلسفه ای تنزیهی است و این امر باعث شده که قرابت با فقه نماید.

۶-۱ پیشینه موضوع

تا به حال کسی بنا بر مبنای وحدت شخصی وجود بنایی فلسفی مطرح ننموده است مگر بعضی از اساطین حکمت که به صورت حاشیهای به بعضی از پیامدهای ان اشاره اجمالی نموده اند .

۷-۱ روش تحقیق

اینپایاننامهبهروش کتابخانه ای و شیوه توصیفی -استنباطی و در بعضی موارد توصیفی - تحلیلی انجامگرفتهاست.

فصل دوم:

نظام هستی از منظر حکیم

۲- اصالت ماهیت از منظر حکما و انتساب غلط اصالت ماهیت به شیخ اشراق

از زمان میرداماد بحثی مستقل در خصوص اصالت و اعتباریت وجود و ماهیت شکل گرفت بدین معنا واقعیتی که دو مفهوم چیستی و هستی از آن انتزاع می شود کدام یک در عالم خارج ما بازاء دارد که میرداماد ماهیت را در خاج اصیل دانست^۱ و وجود را اعتباری قلمداد کرد و این دیدگاه را به مشایین نیز نسبت داد که ایشان اصالت الماهوی می باشند^۲ به خلاف صدرای شیرازی که مشایین را اصالت الماهوی نمی داند^۳.

گرچه این بحث به نحو مستقل از زمان میرداماد بروز پیدا کرد و لیکن بعضی از معاصرین کسانی را چون، خواجه نصیر الدین طوسی، شیخ اشراق را اصالت الماهوی می دانند^۴.

در فلسفه غرب نیز آنچه مشهور است این است که فلاسفه غرب را از تالس حکیم (سده ششم قبل از میلاد) که از فلاسفه دوران باستان ملطیه می باشد تا فیلسوف مشهور فلسفه اگزیستانسیالیسم یعنی هایدگر (۱۹۷۶-۱۸۸۹) را اصالت الماهوی می دانند و هایدگر را فیلسوف اصالت الوجودی قلمداد می کند^۵. البته باید توجه داشت فلاسفه ای که پیش از هایدگر اصالت وجود را مطرح کرده اند به معنای اصالت انسان و امانیسم بوده است^۶.

^۱ میرداماد، مصنفات (تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۸۱) ج ۱/ ۵۰۴ تا ۵۰۷

^۲ میرداماد، القبسات (تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکی، ۵۶) ۵۱/۴۴/۳۷

^۳ صدر المتألهین، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، مشهور به اسفار (بیروت، دار-احیا

التراث، ۱۹۸۱، ج ۲، ۹، ج ۴۸/۱)

^۴ یزدان پناه، سید یدالله، حکمت اشراق (انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) ۳۱۹/۱

^۵ ملکیان، مصطفی، تاریخ فلسفه غرب (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) ۱۳۷۹ (۴/ ۱۲۶)

^۶ مطهری، مرتضی، شرح مبسوط منظومه (انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۴) ج ۶۸/۱

کثیری از فلاسفه^۱، شیخ اشراق را اصالت الماهوی می دانند در حالی که نظر نگارنده این است که وقتی نظام فلسفی ایشان را به دقت مورد بررسی قرار دهیم می یابیم که ایشان اصالت الماهوی نیست بلکه این انتساب، نسبت اشتباهی است که جمهور فلاسفه بدان اذعان نموده اند.

شیخ اشراق بحث اصالت ماهیت را به طور صریح در کتب فلسفی خویش مطرح نکرده است ولیکن در دومبحث بحث اعتباریت وجود را طرح نموده است. یک جا در بحث زیادت وجود برماهیت است که وجود را اعتباری می داند و دیگر در بحث جعل انرا مطرح می نماید.

چنانچه در مطارحات می گوید:

"هذا انما يتمشى اذا ثبت ان الوجود الزائد على الماهيات له صورة في الاعيان و اما اذا اخذ الوجود امراً اعتبارياً فلا هويه له في الاعيان."^۲

و یا در جای دیگر می گوید:

"لما كان الوجود اعتباراً عقلياً فلسفياً من علته الفياضه هويته"^۳

از این جهت است که شیخ اشراق را اصالت الماهوی می دانند در حالی که باید اعتباریت را در دستگاه فلسفی شیخ اشراق معنا کرد و سپس به داوری رفت که آیا شیخ اشراق اصالت الماهوی است یا خیر.

^۱ اشتیانی، سید جلال الدین، هستی از نظر فلسفه و عرفان (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی چ ۳

۱۳۷۶) ۲۵۵

حائری یزدی، کاوشهای عقل نظری (انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۶۱) ۷۸

^۲ اشتیانی، سید جلال الدین، شرح رساله المشاعر (انتشارات امیر کبیر، تهران چ ۱ ۱۳۷۶) ۴۴

^۳ شیخ اشراق، شهاب الدین سهروردی، مجموعه مصنفات، مطارحات / ۳۸۹

^۴ شیخ اشراق، شهاب الدین سهروردی، مجموعه مصنفات، حکمه الاشراق ۱۰۸-۱۱۹-۱۴۲-۱۸۶ شیخ

اشراق، شهاب الدین سهروردی، مجموعه مصنفات، مقاومات ۱۸۸

وقتی که مفهوم اعتباریت را در نظام فلسفی ایشان مورد مذاقه قرار می دهیم می یابیم که اعتباریت درمنظر شیخ اشراق غیر از معنایی است که در فلسفه متعارف به ذهن ما انسباق می یابد.

اعتباریت در نظام فلسفی شیخ اشراق به این معناست که شیء ای برای شیء دیگر عروض خارجی ندارد بلکه عروض تحلیلی و اعتباری دارد. زیرا در عبارتی از بهمنیار این مساله به ذهن انسباق می یابد که ایشان عروض وجود بر ماهیت را عروض خارجی می داند، انجا که می گوید:

" ان الوجود عرض بان الوجود المعلول له موضوع و كل عرض فانه متقوم بوجوده في موضوعه و كذلك حال الوجود "

البته باید توجه داشت که مشایین قائل به عروض خارجی وجود بر ماهیت نیستند و شیخ بوعلی بدان تصریحات تام دارد^۲ ولیکن شیخ اشراق در مقابل عبارت بهمنیار دفع این شبهه می نماید که وجود، عروض خارجی بر ماهیت ندارد بلکه در تحلیل ذهنی است که ماهیتی فرض می شود و وجود بر آن عارض می گردد اگر نه در عالم خارج عارض و معروضی نیست چنانچه بدین مسأله قطب الدین شیرازی شارح حکمه الاشراق اشاره می کند:

" حکومه فی نزاع بین اتباع المشائین و الذاهبین الی ان وجود الماهیات زائد علیها فی الاذهان و الاعیان و بین مخالفیهم الصائرين الی انه یزید علیها فی الاذهان لا فی الاعیان "^۳

بنابراین در منظر شیخ اشراق اینکه می گوید وجود امری اعتباری است یعنی در عالم خارج عروض خارجی بر ماهیه ندارد بلکه عروض تحلیلی و اعتباری دارد نه اینکه اصلا وجودی در عالم خارج موجود نباشد بلکه وجودی که

^۱ بهمنیار، التحصیل (تهران، دانشگاه تهران، ۴۹) / ۲۸۲

^۲ ابنسینا، التعليقات (قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۷۹، ج ۴) / ۲۲۴

^۳ قطب الدین شیرازی، شرح حکمه الاشراق (انتشارات بیدار) / ۱۸۲

عارض بر ماهیه باشد در عالم خارج موجود نیست و این نکته دقیقی است که جمهور فلاسفه از آن غافل مانده اند لذا شیخ اشراق را اصالت الماهوی می دانند.

البته به اعتبار دیگری نیز می توان گفت که وجود، موجود نیست چنانچه ابن سهلانقائل است^۱. زیرا ایشان قائل است که اگر وجود موجود باشد، مفهوم موجود مشتق است که به معنای " ذات ثبت له الوجود" است در حالی که وجود، ذات ثبت له الوجود نیست بلکه نفس وجود است و از این جهت گفته اند وجود موجود نیست و موجودیت برای وجود امری اعتباری است و از آن جهت که کتاب البصائرالنصیریها بن سهلان مورد توجه شیخ اشراق بوده، قائل به این قول نیز شده است که وجود موجود نیست و موجودیت برای وجود امری اعتباری است اگر نه تسلسل پیش می آید^۲ و بنا بر قاعده معروف شیخ اشراق، هرچه در او تسلسل پیش بیاید امری اعتباری است چنانچه می گوید: کما یلزم من وجوده تکرر نوعه فهو امر اعتباری .

اگر کلام شیخ اشراق را فهم نماییم اشکالات صدرا شیرازی^۳ و مرحوم سبزواری^۴ و همچنین علامه طباطبائی^۵ بر او وارد نیست زیرا شیخ اشراق می خواهد بگوید بر وجود، مفهوم مشتق موجودیت صادق نیست که "ذات ثبت له الوجود" باشد بلکه مفهوم موجودیت برای وجود امری اعتباری است و در

^۱ ابن سهلان، البصائر النصیریة فی المنطق (طبع مصر ۱۳۶۱) ۷۸

^۲ شیخ اشراق، شهاب الدین سهروردی، مجموعه مصنفات، مطارحات / ۳۵۴

^۳ صدر المتألهین، تعلیقه بر حکمه الاشراق، چاپ سنگی ۱۸۴

الاسفار الاربعه / ۱/۳۹

^۴ غرر الفوائد، معروف به شرح منظومه / ۱۱

^۵ طباطبائی، محمدحسین، نهیة الحکمه (مؤسسه نشر اسلامی ، ۶۲) / ۱ / ۲۰